



Feasibility study on ornamental dogs in Imamiyya jurisprudence and Iranian criminal law

Hosein Andalib¹ Seyedamir sekhavatian²

(Corresponding

Author) Department of Islamic Studies, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

hoseinandalib@iau.ac.ir

Department of Islamic Studies, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

sekhavatian@iau.ac.ir

ABSTRACT

Article type: (Times New Roman 9 Bold)
Research Article
(Times New Roman 9)

Article history:
Received
Received in revised form
Accepted
Available online
(Times New Roman 9)

Keywords:
Theft, right of appropriation, non-harash club, ornamental dog, criminal liability.

Objective: The purpose of this research is to examine and analyze the realization of the crime of theft regarding ornamental dogs in Iranian jurisprudence, law, and judicial practice.

Method(s): This research was conducted using a library study method and a descriptive-analytical approach. The necessary information was obtained and analyzed by referring to jurisprudential-legal evidence and texts, legal articles, and judicial decisions.

Result(s): One of the issues that has been raised in court cases is the theft of ornamental dogs. Some judges have ruled out the crime of theft in relation to these types of dogs, citing their "lack of religious property." However, some other judges, citing the application of Article 267 of the Islamic Penal Code, consider the subject of theft to be "absolute property," both customary and religious, and since, according to custom, these types of dogs have property, they consider the crime of theft to be true in their case. This difference of views has led to the issuance of different and contradictory opinions. Therefore, it is necessary to examine the jurisprudential and legal foundations of the issue. The main question facing the research is: "What are the jurisprudential and legal foundations of the crime of theft in the case of ornamental dogs?"

Conclusions: Given that these ornamental dogs are examples of non-domesticated dogs and their buying and selling is permissible, and also that in the hadiths, a blood money is prescribed for killing these dogs, indicating an obligation on their property, as well as the right of appropriation regarding impure objects, the crime of theft can be considered conceivable and realized regarding these dogs, and civil and criminal liability is

considered to be directed at the perpetrators.

Cite this article:



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences

پایگاه نشر از انتشار



امکان سنجی تحقق سرقت سگ های زینتی در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران

حسین عندلیب^۱ سید امیر سخاوتیان^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

hoseinandalib@iau.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

sekhavatian@iau.ac.ir

هدف: هدف از این پژوهش آن است که امکان تحقق و صدق عنوان بزه سرقت در خصوص سگ های زینتی در فقه، حقوق و رویه قضایی ایران را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. روش(ها): این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به ادله و متون فقهی - حقوقی، مواد قانونی و آرا قضایی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نوع مقاله:

یافته(ها): یکی از مسائل مبتلابه در پرونده های قضایی سرقت سگ های زینتی است. برخی از قضات با استناد به «عدم مالیت شرعی» این نوع سگ ها، تحقق بزه سرقت درباره آنها را منتفی می دانند. لکن برخی دیگر از قضات با استناد به اطلاق ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی، موضوع سرقت را «مطلق مال» اعم از عرفی و شرعی می دانند و از آنجایی که در نظر عرف این نوع سگ ها دارای مالیت هستند، لذا تحقق بزه سرقت را درباره آنها محقق می دانند. این اختلاف دیدگاه ها باعث صدور آراء متفاوت و متهافت شده است. از این رو ضروری است مبانی فقهی و حقوقی مساله مورد بررسی قرار گیرد. پرسش اصلی فراروی پژوهش این است که «مبانی فقهی حقوقی تحقق بزه سرقت در خصوص سگ های زینتی چیست؟».

کلیدواژه‌ها:

سرقت، حق اختصاص، کلب غیر هراش، سگ زینتی، مسئولیت کیفری.

نتیجه‌گیری: باتوجه به این که این تقسیم بندی دیگر یعنی تقسیم کلب به هراش و غیر هراش عموماً مغفول مانده است و سگ های زینتی مصداق کلب غیر هراش(اهلی) هستند و خرید و فروش آنها جایز شمرده است، و نیز در روایات برای کشتن این سگ ها، دیه تعیین شده است به دلالت التزامی بر مالیت آنها دلالت می کند، همچنین حق اختصاص در خصوص اعیان نجس، می توان بزه سرقت در خصوص این سگ ها را قابل تصور و تحقق دانست و مسئولیت مدنی و کیفری را متوجه بزهاران دانست.

استناد: عندلیب، حسین؛ سخاوتیان، سید امیر(۱). امکان سنجی تحقق سرقت سگ های زینتی در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران.آموزه های حقوق کیفری



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

یکی از مسائل مبتلابه در پرونده های قضایی که در چند سال اخیر نیز فزونی یافته است مساله سرقت و یا خیانت در امانت در خصوص سگ های تزئینی است. برخی قضات با استناد به اطلاق ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی، موضوع سرقت را «مطلق مال» اعم از عرفی و شرعی می دانند و از آنجایی که سگ های تزئینی در عرف مالیت دارند از این رو بزه سرقت و خیانت در امانت را در خصوص سگ های تزئینی قابل تحقق می دانند. لکن برخی دیگر از قضات معتقدند با توجه به مبانی فقهی، موضوع سرقت صرفاً «مال شرعی» است. و از آنجایی که سگ های تزئینی از نظر شرع دارای مالیت نمی باشند لذا تحقق بزه های سرقت و خیانت در امانت در خصوص سگ های تزئینی منتفی است. منشاء این اختلاف نظر در بین حقوقدانان و قضات به اختلاف نظرها در مبانی فقهی باز می گردد با توجه به اختلاف دیدگاه ها که در رویه قضایی نیز باعث صدور آراء متفاوت شده است، ضروری است مبانی فقهی و حقوقی هر یک از این دیدگاه ها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد تا انطباق آن با فقه و موازین حقوقی مبرهن گردد. هدف از این پژوهش آن است که امکان تحقق و صدق عنوان بزه سرقت در خصوص سگ های زینتی در فقه، حقوق و رویه قضایی ایران مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

پرسش اصلی فراروی پژوهش این است که: «مبانی فقهی حقوقی تحقق بزه سرقت در خصوص سگ های زینتی چیست؟». فرضیه پژوهش آن است با توجه به این که این سگ های زینتی مصداق کلب غیر هراش (اهلی) هستند و خرید و فروش آنها جایز شمرده است، و نیز در روایات برای کشتن این سگ ها، دیه تعیین شده است به دلالت التزامی بر مالیت آنها دلالت می کند، همچنین حق اختصاص در خصوص اعیان نجس، می توان بزه سرقت در خصوص این سگ ها را قابل تصور و تحقق دانست و مسئولیت مدنی و کیفری را متوجه بزهداران دانست.

در خصوص پیشینه پژوهش تاکنون پژوهشی های زیر انجام شده است: جلی سینکی و امام (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «تاملی بر مالیت کلاب در فقه امامیه» به این مساله از جنبه فقهی پرداخته و معتقدند تحلیل مسأله بیانگر آن است که صرف خرید و فروش این حیوان به قصد تفریح و تفرج و زینت کما اینکه امروزه بسیار متداول گشته است از جمله معاملات حرام و باطل و ثمن حاصل از آن نامشروع است از این رو بنا بر قول اقوی اینگونه سگها نه مالیت دارند و نه به ملکیت درمی آیند.

لطیف زاده و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «بررسی حقوق دارندگان سگ های تزئینی از نگاه فقه امامیه و حقوق ایران با تأکید بر رویه قضایی» به بررسی این مساله پرداخته و چنین نتیجه گرفته اند که با توجه به مالیت عرفی این اعیان که از نگاه حقوق و برخی منابع فقهی تأیید شدنی است و نیز حق اختصاصی که فقه به دارندگان این اعیان نجس می دهد، باید رویکرد حمایتی را لحاظ کرد و آثار این رویکرد حمایتی (مسئولیت مدنی و کیفری) را نیز بار کرد.

هر دو پژوهش صرفاً از جهت فقهی به موضوع نگریسته اند و تحلیل های حقوقی کمتری مشاهده میشود همچنین به صورت تفصیلی منابع و متون و ادله فقهی مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. مزیت پژوهش حاضر در آن است که علاوه بر بررسی تفصیلی ادله فقهی همچنین قوانین مرتبط به آرا قضایی نیز اشاره کرد و آنها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است و بر خلاف پژوهشهای پیشین تقسیم بندی جدید از کلاب از منظر فقه ارائه کرده است بنابراین هم در فرایند و هم در برآیند این پژوهش متمایز است.

جهت یافتن پاسخ مناسب برای پرسش اصلی لازم است ابتدا بررسی گردد، مراد از مطلق مالیت، مال، مالیت عرفی و شرعی چیست، سپس این موضوع مورد بررسی قرار گیرد که آیا سگ زینتی دارای مالیت است تا ربودن آن مشمول جرم سرقت تعزیری و یا حدی گردد یا خیر؟ در ادامه این مطلب در ضمن سه گفتار با استناد به منابع لغوی، فقهی و حقوقی، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. در پایان نیز دیدگاه برگزیده تبیین و ارائه می گردد.

۱. بررسی مالیت داشتن سگ‌های تزینتی

طبق نظر فقیهان خصوصاً امام خمینی، مال چیزی است که مورد رغبت و تقاضای عقلاء باشد و آنان در عوض به دست آوردنش بهایی بپردازند. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۷؛ موسوی خویی، بی تا، ج ۲، ص ۴۲؛ اصفهانی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۶) سگ تزینتی از نگاه عرف و عقلاء دارای مالیت است، لکن به نظر برخی از فقها سگ تزینتی مالیت شرعی ندارد و مالیت شرعی از آن سلب شده است؛ (گنجینه استفتائات قضائی، سوال ۸۶۵۵). بنابراین ربایش سگ تزینتی هر چند که میلیون‌ها تومان ارزش داشته باشد، سرقت حدی محسوب نمی‌شود و از دایره ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی خارج خواهد بود؛ زیرا همان‌طوری که اشاره شد جهت تحقق سرقت حدی، علاوه بر آن که عین مورد ربایش بر اساس ماده ۲۶۷ باید دارای مالیت عرفی باشد، طبق بند «الف» ماده ۲۶۸، باید دارای مالیت شرعی نیز باشد و حال آن که به نظر برخی از فقها مالیت سگ تزینتی را الغا نموده و آنرا نپذیرفته است، لکن و در عین حال همانگونه که گذشت سرقت از نظر قانونگذار موجب تعزیر خواهد بود. بنابراین می توان گفت در خصوص مالیت و عدم مالیت سگ‌های زینتی دو دیدگاه وجود دارد که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱- عدم مالیت سگ‌های زینتی

طرفداران عدم مالیت سگ زینتی می توانند به وجوهی استناد نمایند که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۱-۱-۱- عدم جواز کسب با نجس العین

غالب فقیهان بحث مالیت و فروش سگ را در مکاسب محرمة مطرح نموده‌اند؛ زیرا یکی از کسب‌های حرام، فروش اعیان نجس است و به اتفاق فقیهان سگ از جمله اعیان نجسه است. البته فقیهان در خصوص استثنای کلاب اربعه اتفاق نظر دارند. لکن میرزای نائینی تقسیم بندی را به «کلب هراش» و «کلب غیر هراش» انجام داده است و معتقد است خرید و فروش کلب غیر هراش از حرمت خرید و فروش استثناء شده است. (ر.ک: نائینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۹).

طبق بیان میرزای نائینی که واقعیت خارجی نیز مؤید آن است مشهور فقیهان متأخر مالیت شرعی سگ را اختصاص به سگ شکار نداده و معتقدند علاوه بر آن، شارع مقدس از سگ خانه، مزرعه و گله نیز سلب مالیت نکرده و معامله آن‌ها را جایز دانسته است.

به خلاف فقیهان متأخر، مشهور قدما جواز بیع را منحصر به سگ شکار دانسته و معتقدند، از سایر سگ‌ها شارع مقدس سلب مالیت نموده است. (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۹). از جمله قدما شیخ طوسی است که در کتاب نهاییه، مالیت شرعی و جواز فروش سگ را اختصاص به سگ شکاری داده و آورده است (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۴۰۳). البته همانطور که گفته شد قاطبه فقیهان متأخر قائل به تعمیم شده و وجود مالیت شرعی را نسبت به کلاب اربعه پذیرفته‌اند. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۲).

مستند این دیدگاه‌ها روایاتی است که در این باب وجود دارد. متیقن از برخی اخبار این است که خرید و فروش سگهایی که در آنها وصف صیادی به فعلیت رسیده، جایز است و مابقی مشمول حرمت بیع می‌باشند. از جمله این روایات، روایتی است منقول از امام صادق (ع) که ایشان در پاسخ به سائلی که از ثمن حاصل از کلب سوال کرده بود، فرمودند: «و اعلم ان اجره الزانیه و ثمن الكلب سحت الا کلب الصید» (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۵۳). روایت دیگر خبری است منقول از حضرت علی امیر المومنین (ع) که ایشان فرموده‌اند: «لا بأس بثمان کلب الصید» (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹). و دلیل دیگر مفهوم روایتی است که ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل میکند که امام فرمودند: «ثمان الخمر و ثمن الكلب الذی لا یصطاد من السحت». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۵۲) با این تقریر که سیاق الفاظ معصوم (ع) تنها جواز بیع سگی با منفعت صیادی را میرساند و منافع دیگر را گویی نفع به شمار نیاورد و با عباراتی صریح، حرمت دیگر منافع را تاکید کرده است (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۸، ص ۸۱) بلکه با عنایت به اخبار مستفیضه موجود و مقابل قرار گرفتن ثمن سگهای غیر صید با اجرت زانیه و به مناسبتی که ثمن این فروش، شبیه آن خودفروشی حرام قلمداد شده، بدیهی است که تنها، حکم فروش سگ صید و ممنوعیت غیر از آن از ادله استظهار میشود. گر چه ظهور روایت در قرار گرفتن این دو در کنار یکدیگر، بیشتر به لحاظ قبح اجرت زانی است نه عکس آن. البته این استدلال را نیز می‌توان بیان کرد که در صورت حکم به صحت فروش سگهای غیر از صید، تحت عام روایات نهی که از خرید و فروش مطلق سگی باقی نخواهد ماند مگر هراش و عقور، که این موجب تخصیص اکثر و آن هم مستهجن است.

در مقابل روایاتی دال بر جواز خرید و فروش کلاب اربعه و عدم انحصار در کلب صید می‌باشد. اولین حدیث مرسله ای است که جناب شیخ طوسی در مبسوط این گونه نقل کرده است: «فما یجوز بیعه ما کان معلما للصيد و روی ان کلب الماشیه و الحائط کذلک». (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۱۶).

دومین روایتی که دال بر صحت بیع سگهای مذکور می‌باشد روایتی منقول از امام صادق است که فرمودند: «دیه الكلب الذی لیس للصيد و لا للماشیه زنبیل من تراب علی القاتل أن یعطی و علی صاحبه أن یقبل» (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۷۰) شاهد مثال در این روایت تعبیر امام صادق (ع) است که ایشان برای سگهای غیر از صید، از عنوان صاحب و مالک استفاده کرده بنابراین، چنین کاربردی از جانب معصوم (ع) حجتی است بر مالیت این کلاب کما اینکه محقق نراقی به همین مورد اشاره داشته که: اثبات صاحب برای کلاب مذکور، مثبت ملکیتی است که موجب جواز بیع و اقتناء این سگها است. (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۸۷) آخرین گروه از روایات دال بر جواز خرید و فروش کلاب اربعه، مجموعه احادیثی است راجع به دیات مقدری که شارع در فرض اتلاف این کلاب وضع کرده است. برای نمونه از روایات بیشماری که در این باره وارد شده خبری است که شیخ صدوق با اسنادش از امام صادق (ع) نقل کرده که ایشان فرمودند: "دیه کلب الماشیه عشرون درهما... دیه سگ محافظ گله بیست درهم است که قاتل به صاحب سگ میپردازد (صدوق، ۱۳۷۸، ص ۵۳۴) تقریب استدلال آنگونه که از کلمات موافقان استنباط میشود ایشان به صراحت، وضع دیات معین منصوص را مستلزم تملک، جواز تصرف و معاوضه این سگها دانسته اند و مضافا صحت اجاره آنها را هم به عنوان مویدی دیگر بر نظریه خود ابراز داشتند (فاضل آبی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۳۷).

نتیجه اینکه جمع روایات گروه اول و گروه دوم آن است که کلاب اربعه از نظر شرع مقدس دارای مالیت و خرید و فروش آنها جایز است.

۱-۱-۲- انحصار ضمان تلف به برخی سگها

مشهور فقیهان معتقدند ضمان نسبت به غیر سگ‌های چهارگانه محقق نمی‌شود. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶، ص: ۳۲۷). در روایتی وارد شده است که «وَدِيَةُ كَلْبِ الْاَهْلِ قَفِيْزٌ مِنْ تَرَابٍ لِّاَهْلِهِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۳۱۰). شهید ثانی راجع به مراد از کلب اهل آورده است: «و المراد به ما يتخذ لحراسة أهله في البوادی، و قد يتخذ أهل الحضر لذلك» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۴۹۹). برخی از فقیهان معتقدند پیمان‌های از خاک کنایه از عدم ضمان است این بیان نشان می‌دهد که قتل غیر کلاب اربعه موجب ضمان نیست (شوشتری، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۴۹۲). که این برداشت در ادامه مورد نقد قرار می‌گیرد.

در همین راستا و با اعتقاد به عدم مالیت سگ‌های زینتی گروهی از قضات نظر به صدور قرار منع تعقیب در خصوص بزه سرقت سگ‌های زینتی دارند. به عنوان نمونه شعبه ۹ دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۱۵ تهران در خصوص شکایت سرقت مستوجب تعزیر یک قلاده سگ تزئینی قرار منع تعقیب صادر کرده است که متن قرار به شرح زیر است:

«در خصوص شکایت آقای ... فرزند ...، علیه آقای ... فرزند ... دائر بر: سرقت مستوجب تعزیر یک قلاده سگ تزئینی از نژاد شیواوا به ارزش چهارصد میلیون ریال، پرونده در مسیر تحقیقات قرار گرفت با لحاظ اوراق و محتویات پرونده، اولاً بر اساس ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سرقت عبارت است از ربودن «مال» متعلق به غیر و با توجه به اینکه تعریف «مال» در قوانین موضوعه مشخص نشده است، مستنداً به اصل ۱۶۷ قانون اساسی برای رفع ابهام باید به شرع و منابع فقهی رجوع کرد. از نظر فقهای امامیه برای مال محسوب شدن، لازم است شیء مورد داد و ستد منفعت عقلایی مشروع داشته باشد و مطابق شرع اسلام تنها چهار نوع سگ دارای مالیت است (کلاب اربعه) که موضوع شکایت شاکی هیچکدام از آن موارد نیست، لذا مورد حمایت قانونگذار نبوده و عمل مرتکب فاقد عنصر قانونی جرم سرقت مستوجب تعزیر است. ثانیاً سگ‌های تزئینی مصداقی از مجموعه اعیان نجس هستند، به همین دلیل احکام کلی این اعیان درباره سگ‌های تزئینی نیز جاری است، بنابراین باید گفت: از نظر فقهای شیعه اعیان نجس مالیت ندارند (فیاض، ۱۴۱۵، ص ۱، ج ۱، ص ۶۲؛ روحانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۰۶؛ منتظری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱۶؛ عراقی، ۱۴۲۱، ص ۱۱۸) و در زمره اموال جای نمی‌گیرند و اصل راجع به انتفاع از آنها حرمت است (نجفی، ۱۴۱۵، ص ۷۷؛ قمی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۹) و بر این اصل روایات متعددی در فقه مشهود است. با توجه به مبانی فقهی ممکن است این اعیان از نظر عقلاء مالیت (مالیت عرفی) داشته باشد، ولی فاقد امضای شارع هستند؛ چون منافع آن از نظر شرع حرام است، پس مالیت خود را از دست می‌دهد و هیچ یک از احکام مال مانند احکام بیع و ... بر آن بار نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۳۰).

ثالثاً در پاسخ به حقوقدانانی که معتقدند در سرقت مستوجب تعزیر مالیت شرعی ملاک در تعقیب کیفری نیست و مالیت عرفی کافی است، باید گفت که اقتباس بسیاری از مقررات حقوقی از احکام و مبانی فقهی و لزوم انطباق آنها با موازین شرعی و قانون اساسی این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که مالیت شرعی نیز در مالیت تلقی کردن یک مال ضروری است و مالیت شرعی در مالیت یک مال به قدری مهم تلقی شده است که در صورت فقدان این وصف، به طور کلی مالیت آن شیء نادیده گرفته شده است به نحوی که گویی چنین شیئی اصلاً وجود ندارد و تعیین مجازات بر اساس ارزش عرفی مخالف شرع است. مضافاً آنکه برای فهم مال باید به برخی مواد قانونی مانند ماده ۲۱۵ قانون مدنی رجوع کرد که مقرر می‌دارند: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد.» بنابراین برای اینکه شیء مالیت داشته باشد باید هر دو شرط یاد شده را داشته باشد و وجود مشروعیت در انتفاع، شرط لازم برای مال تلقی شدن است، لذا تنها اشیائی مال هستند که شرع نیز آنها را مال به شمار آورد و اموالی که مشروع نباشند مورد حمایت قانون نیستند. به عبارت دیگر سگ‌های تزئینی مال به شمار نمی‌آیند و تحت حمایت قانون به منظور بار نمودن اوصاف مدنی و جزایی نیستند.

رابعاً نظر اکثریت قضات محترم دادگستری شهرستان کرمان در نشست قضایی شماره ۱۳۹۸-۵۷۱۷ مورخ ۱۳۹۷-۰۷-۰۲ و همچنین اکثریت قضات محترم دادگستری شهرستان سردشت در نشست قضایی به شماره ۱۳۹۸-۵۹۶۴ مورخ ۱۳۹۸-۰۷-۱۸ مؤید این مهم است که مطابق احکام اسلامی سگ صرفاً در صورتی مال محسوب می‌گردد که جزء کلاب اربعه باشد و در غیر اینصورت مال محسوب نگردیده و نمی‌

تواند موضوع جرم سرقت تعزیری قرار گیرد، لذا سرقت سگ های غیر کلاب اربعه قابل تعقیب کیفری نیست.

خامساً معاونت بهداشت دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور در نظریات متعددی که در چارچوب ماده ۶۸۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ صادر نموده اند، نگهداری سگ در اماکن و معابری که محل رفت و آمد عموم مردم است را حتی با داشتن شناسنامه دامپزشکی نیز تهدید علیه بهداشت عمومی تشخیص داده اند و در مانحن فیه همانطور که گذشت حسب اظهارات شاکی وی اقدام به نگهداری سگ ربایش شده در نمایشگاه خودروی خود که محل رفت و آمد عموم می باشد می نموده است.

لذا با عنایت به مطالب معنونه و با توجه به اینکه رفتار موصوف توسط شاکی فاقد عنصر قانونی جرم سرقت مستوجب تعزیر می باشد، توجهاً به حاکمیت اصل برائت و مستنداً به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی قرار منع تعقیب متهم صادر و اعلام می گردد؛ قرار صادره به موجب بند الف ماده ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون مار الذکر ظرف مهلت ده روز از تاریخ ابلاغ به تقاضای شاکی قابل اعتراض در دادگاه کیفری دو شهرستان تهران است.

دفتر مقرر است پرونده برگشماراری در اجرای ماده ۹۲، ۲۶۷ قانون اخیر الذکر امروز به نظر دادستان محترم برسد؛ در صورت موافقت دادستان محترم به طرفین ابلاغ پس از مضي مدت قانونی و قطعیت قرار از آمار کسر و بایگانی شود؛ در صورت اعتراض به قرار از سوی شاکی جهت رسیدگی با حفظ بدل به مرجع صالح ارسال گردد. (https://edalatsara.com) قرار منع تعقیب سرقت مستوجب تعزیر)

همانطور که ملاحظه می شود نقطه اصلی استدلال قاضی محترم صادر کننده قرار منع تعقیب، «مالیت نداشتن شرعی» سگ های زینتی است و لذا با این استدلال که سگ های زینتی مالیت شرعی ندارند و مالیت عرفی کافی نیست معتقد به عدم وقوع بزه شده اند.

همچنین قضات شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با این استدلال که: «سگ به عنوان حیوان نجس العین و مطابق احکام اسلامی در صورت مصداق سگ گله یا سگ نگهبان به عنوان مال محسوب گردیده و در غیر آن مال محسوب نمی شود و در مانحن فیه اطلاق سگ گله یا نگهبان بر حیوان مورد ادعا قابل تردید و تشکیک می باشد.» بزه خیانت در امانت را در خصوص سگ زینتی محرز ندانسته و حکم به برائت مشتکی عنه داده است. (دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۷۰۰۶۶۶ مورخ: ۱/۲۲/۵/۱۳۹۳) لکن این استدلال ها در قسمت بعدی مورد نقد قرار می گیرد.

۲-۱- مالیت سگ های زینتی

برای مالیت سگ های زینتی می توان به وجوهی استناد کرد که در ادامه به بررسی این وجوه پرداخته می شود.

۱-۲-۱- استثناء از عدم جواز تکسب به اعیان نجسه

یکی از کسب های حرام، فروش اعیان نجس است و به اتفاق فقیهان سگ از جمله اعیان نجسه است. (حلبی، ۱۴۱۷، ص ۴۳). البته باید توجه داشت از اصل عدم جواز تکسب به اعیان نجسه، دو مورد استثناء شده است یکی وجود منفعت محله عقلائی و شرعی، دیگری برای مستحلینی که استفاده از این اموال برای آنها مجاز است. در خصوص استثناء اول

۱ - «رأی دادگاه تجدید نظر: در خصوص تجدیدنظرخواهی خانم غ.ف. نسبت به دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۲۱۶۸۰۰۲۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۳۱ که در مقام واخواهی از دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۱۶۷۸۰۱۱۳۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۸ هر دو صادره از شعبه ۱۱۰۵ دادگاه عمومی جزایی تهران که به موجب آن تجدیدنظرخواه به شش ماه حبس تعزیری به دلیل ارتکاب بزه خیانت در امانت نسبت به یک قلاده سگ حسب شکایت خانم الف.ک. محکوم گردیده است؛ با توجه به محتویات پرونده و از آنجایی که ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی سپردن اموال منقول یا غیرمنقول را در تحقق بزه معنونه شرط می داند و نظر به این که سگ به عنوان حیوان نجس العین و مطابق احکام اسلامی در صورت مصداق سگ گله یا سگ نگهبان به عنوان مال محسوب گردیده و در غیر آن مال محسوب نمی شود و در مانحن فیه اطلاق سگ گله یا نگهبان بر حیوان مورد ادعا قابل تردید و تشکیک می باشد. این دادگاه با استناد به ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری بند اول از قسمت ب با نقض دادنامه فوق الاشعار و لحاظ بند الف ماده ۱۷۷ قانون مذکور و رعایت اصالة البرائه و اصل سی و هفتم قانون اساسی رأی بر برائت تجدیدنظرخواه از بزه انتسابی را صادر و اعلام می نماید. رأی صادره قطعی است.»

باید گفت یکی از مصادیق بارز آن خرید و فروش خون است که در گذشته به خاطر نبود منفعت محلله عقلایی، حرام بود لکن بعدها به خاطر پیدایش منفعت محلله عقلایی جایز دانسته شد. همچنین اخیراً نیز پیوند قلب خوک شبیه سازی شده از سوی چند تن از مراجع تقلید حضرات آیات خوئی، سیستانی، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی و علوی گرگانی جایز دانسته شد (گنجینه استفتائات قضایی، سوال های ۳۲۶۱ و ۵۲۷۷۳). که این می تواند موید مالیت شرعی آن باشد. در خصوص سگ های زینتی نیز می توان منفعت محلله عقلایی را در نظر گرفت و علت استثنای سگ های چهارگانه نیز همان منفعت عقلایی آنان می باشد. چرا که اطلاق روایات «ثمن الکل سحت» با روایاتی بیع کلب «غیر هراش» را جایز می داند تخصیص می خورد و در کلاب غیر هراش وجود نفع محلل مقصود عقلایی منشأ اصلی صحت بیع است بنابراین هیچ دلیلی نیست که صحت فروش سگ را منحصر در گونه های مذکور بدانیم و مابقی سگهایی که در روایات ذکری از آنها نیست، هراش یا عقور بینگاریم چنان که فقیهی همچون محقق سبزواری این حصر را زیر پا نهاده و فتوایی محققانه به شرح ذیل میدهد: «سگهایی که در آنها اغراض صحیحی وجود داشته که شرعاً از آنها نهی نشده باشد مالیت دارند همچون سگهای تعلیم دیده پلیس و قاتل این سگها ملزم به پرداخت قیمت این کلاب است و به علت آنکه در شرع انور مقدری برای این گونه سگها تعیین نشده است، معیار در قیمت آنها رجوع به عرف است» (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۲۹، ص ۳۷۳). امام خمینی نیز انتفاع از سگ در کشف جرائم و تفتیشات پلیسی را نفعی عقلایی و همین انتفاع را مجوز بیع میدانند (موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۵). نتیجه آنچه مختصراً بیان شد چنین است که بکارگیری این حیوان در منافع غیر از آنچه روایات متعرض آن شده اند صحیح و ثمن حاصل از آن خرید و فروش به قصد ایصال به آن نفع مقصود حلال خواهد بود. چنان که انتفاع از سگ در غیر از عملیات پلیسی و در امداد به بلا زدگان طبیعی همچون زلزله و نجات زیر آوار ماندگان از واقعیاتی است که نمیتوان نادیده گرفته شود. بنابراین با توجه به منافع عقلایی سگ های زینتی که نهی و ردعی نیز از سوی شارع صورت نگرفته است می توان آنها را از مصادیق استثنای اول تکسب به اعیان نجسه دانست. موید این برداشت آن است که از دیدگاه برخی فقها مالیت داشتن اعیان نجسه با توجه به دو عنصر مهم زمان و مکان تعیین می شود. به عنوان نمونه محقق کرکی در مسائلی نظیر حرمت بیع اعیان نجس، ملاک در جواز و عدم جواز فروش اعیان نجس را مالیت و انتفاع و عدم آن دانسته است که به نسبت زمان ها و مکان های مختلف تغییر پیدا می کند. (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۱-۱۲). این نظر مورد تأکید برخی فقیهان معاصر نیز قرار گرفته است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۲۷۰). البته همان طور که تأکید شد مالیت داشتن پدیده های نوپیدا بستگی به وجود منفعت حلال و عقلایی و عدم ردع و نهی شارع از آن منفعت دارد که در محل بحث نیز منافع سگ های زینتی مورد نهی و مذمت شارع قرار نگرفته است بنابراین بر اصل حلیت تکسب باقی می ماند.

۱-۲-۲- مالیت عرفی غیر مردوعه

مالیت اشیاء و صدق عنوان «مال» بر آنها بستگی به نظر عرف دارد. همان طور که برخی از فقیهان همچون محقق نراقی بیان کرده اند در تعریف مال، نظر عرف بر شرع مقدم است. (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۳۰۴). در جای خود نیز ثابت شده است که یکی از کارکردهای عرف در جریان استنباط احکام شرعی، مرجعیت عرف در تفسیر مفردات و واژه های متخذ در ادله و اسناد شرعی است. (عندلیب، ۱۳۹۷، ص ۶۵). بنابراین «مال» مد نظر شارع، همان چیزی است که در عرف مال محسوب می شود مگر اینکه شارع از آن مالیت را سلب کرده باشد. در خصوص سگ های ولگرد قدر مسلم شارع مالیت را سلب کرده است، لکن درباره کلاب اربعه مالیت را پذیرفته است. اما در خصوص سگ های زینتی که گونه جدید از

سگ محسوب می شوند و در زمان شارع نبوده است نمی توان تحت عنوان سگ های ولگرد برد زیرا بالوجدان این سگ ها ولگرد نیستند. بنابراین دلیلی بر سلب مالیت از این نوع سگ ها نداریم و لذا طبق اصلی اول و با توجه به اینکه در نظر عرف در قبال سگ های زینتی مال پرداخت می شود، می توان قائل به مالیت عرفی غیر مردوعه این نوع سگ ها شد. اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز با عنایت به مالیت عرفی سگ های زینتی در نظریه مشورتی شماره ۲۹۸۳/۹۴/۷-۲۸/۱۰/۱۳۹۴، چنین مقرر داشته است: «ربودن هر مالی از جمله سگ های تزئینی که عرفاً مورد خرید و فروش واقع می شوند و مالیت دارند با تحقق سایر شرایط مقرر در قانون، می تواند از مصادیق یکی از سرقت های مقرر در قوانین کیفری باشد». بر همین نظر در موارد مشابه نیز تاکید کرده است. (نظریه شماره ۲۵۳۲/۹۷/۷ مورخ ۲۷/۰۶/۱۳۹۸؛ نظریه شماره ۷/۸۲۷ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۲)

برخی حقوقدانان بر این باورند: «حرمت شرعی یا ممنوعیت قانونی داشتن اشیاء، در صورتی که به لحاظ عرفی مالیت داشته باشد، مانع تحقق سرقت نیست. بنابراین، ربودن خوک، سلاح غیر مجاز، آنتن ماهواره، آلات قمار، فیلم های مبتذل و امثال آن ها سرقت محسوب می شود، زیرا هدف از جرم انگاری سرقت در وهله نخست، حفظ نظم عمومی است.» (آقای نی و رستمی، ۱۴۰۴، ص ۱۷۱) این حقوقدانان به درستی و با تاکید بر فلسفه جرم انگاری بزه سرقت، ربودن اموال نامشروع مانند سگ و خوک را مصداق سرقت دانسته اند. البته به لحاظ تصریح بند الف ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی مبنی بر «مالیت شرعی» مال مسروقه، سرقت سگ یا خوک و اشیایی که به لحاظ شرعی نجس محسوب می شوند و اموال نامشروع سرقت حدی نخواهد بود (آقای نی و رستمی، ۱۴۰۴، ص ۱۸۹) بلکه مصداق سرقت تعزیری است.

همین امر در آراء برخی محاکم قضایی نیز مورد تایید قرار گرفته است. (ر.ک: رای صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو مشهد در پرونده ۹۶۰۹۹۸۱۲۷۷۰۰۱۸۸؛ دادنامه شعبه ۱۲۴ دادگاه کیفری دو مشهد در پرونده ۹۵۰۹۹۷۷۵۹۲۴۰۰۵۸۰؛ تصمیم شماره ۹۸۰۹۹۷۵۱۲۷۷۰۰۶۷۹ مورخه ۲۵/۰۷/۱۳۹۸ شعبه ۶۰۸ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد).

به عنوان نمونه در دادنامه صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان قرچک با این استدلال که «در شرع مقدس اسلام، سگ در شرایطی از قبیل نگهداری و یا کار مالیت دارد و حیوان با وصف سگ تزئینی مالیت شرعی نداشته لذا ربودن آن نیز موجب تحقق بزه مذکور نمیشود» رای به برائت سارق داده است. لکن این دادنامه مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفته و قضات شعبه ۸۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ضمن نقض دادنامه رای به محکومیت مشتکی عنه داده اند. (<https://www.vakileirani.ir/>) (۱۶۵۹۱).

رای قضات دادگاه تجدید نظر به نظر موجه می رسد چرا که بر فرض هم که شرایط تحقق سرقت حدی وجود نداشته باشد، سرقت تعزیری قابل صدق است مضافاً بر اینکه برای صدق عنوان مال، مالیت غیر مردوعه کافی است و لازم نیست در شریعت تصریح به مالیت شده باشد همین که مالیت از شیء، نفی نشده باشد کافی است.

۱-۲-۳- عدم انحصار ضمان تلف به برخی سگ ها

بر خلاف آنچه طرفداران عدم مالیت سگ های زینتی معتقدند، ضمان تنها در کلاب اربعه نمی باشد. زیرا ضمان در دو مورد قابل اثبات است: ۱- مالیت داشتن ۲- حق اختصاص. در خصوص مالیت داشتن سگ های زینتی چنانچه گذشت، این نوع سگ های مالیت عرفی دارند و شارع از این مالیت نهی نکرده است. این گفته که غیر از کلاب اربعه «...چون

برای مسلمان ملکیت ندارد و وقتی ملکیت نداشت با تلف شدن آن ضرری متوجه مسلمان نمی‌شود (تا ضمان و جبران ضرر، معنا داشته باشد).» (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۷) جای نقد و تامل دارد. زیرا ضمان متوقف بر ملکیت نیست بلکه در خصوص «حق» نیز ضمان قابل تصور است. همچنین تحقق عنوان «ضرر» بستگی به نظر عرف دارد و شرع در این باره مؤسس نیست. بلکه آنچه در نظر و داوری عرف ضرر محسوب شود، ضرر زننده ملزم به جبران خسارت می‌باشد. با توجه به اینکه در نظر عرف سرقت و یا عدم استرداد سگ های زینتی، ضرر محسوب می‌شود، پس موضوع ضمان محقق و طبیعتاً حکم ضمان جاری می‌گردد.

همچنین باید توجه داشت به باور برخی فقیهان «حق اختصاص» برای اثبات ضمان در خصوص سگ های زینتی کافی است. بنابراین، در موارد ثبوت حق اختصاص هرگونه مزاحمت و کنار زدن صاحب حق و نیز تصرف در متعلق حق بدون اجازه او حرام است. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۳۳۰).

همچنین فقیهان درباره تصرف در چیزی که متعلق حق دیگری است، با الغای خصوصیت مالیت بیان کرده اند که تصرف جایز نیست، گرچه مال افراد نباشد و مصداق حق اختصاص باشد (مجله فقه اهل بیت (ع)، همراه با دائره المعارف فقه اسلامی، ش ۵۰، ص ۲۱۷). برخی فقیهان همچون محقق نائینی، ضمان را به صورت مطلق ثابت دانسته است، هر چند شی مورد نظر مالیت و ملکیت نداشته باشد. (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲، صص ۳۶۶-۳۶۵). چون برای ثبوت ضمان، حق اختصاص صاحب نسبت به آن شی کفایت می‌کند و برای ثبوت ضمان نیاز به ملکیت تام نیست. بلکه مرتبه پایین تر از ملکیت که از آن تعبیر به حق می‌شود نیز کافی است. برخی از فقیهان معاصر نیز ضمن تاکید بر حق اختصاص نسبت به سگ های تزینتی و تحقق عنوان سرقت نسبت به آنها، چنین اقدامی را جایز ندانسته اند. آیت الله سیستانی در پاسخ به این پرسش که «چنانچه فردی اقدام به ربایش سگ زینتی نماید؛ بفرمایید: آیا اقدام فرد مزبور سرقت محسوب شده و قابل تعزیر می‌باشد؟» چنین مرقوم داشته اند: **«سرقت اینها جایز نیست زیرا حق اختصاص دارند.»** (گنجینه استفتانات قضایی (نرم افزار)، سؤال ۸۶۵۶).

بنابراین حق اختصاص نیز می‌تواند یک از مبانی ضمان در قبال سرقت و یا خیانت در امانت نسبت به سگ های زینتی محسوب گردد و لذا انحصار ضمان در کلاب اربعه خالی از وجه است.

۱-۲-۴- تعیین دیه برای کلب اهلی

یکی دیگر از وجوهی که می‌توان برای اثبات مالیت داشتن سگ های زینتی بدان استناد کرد، تعیین دیه ای است بر اساس برخی روایات برای کلاب اهلی قرار داده شده است. در روایتی که شیخ طوسی آن را نقل کرده است چنین آمده است: **«وَدِيَةٌ كَلْبِ الْاَهْلِ قَفِيْزٌ مِنْ تُرَابِ لَأَهْلِهِ»** (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۳۱۰). هر چند برخی از فقیهان معتقدند پیمانهای از خاک کنایه از عدم ضمان است این بیان نشان می‌دهد که قتل غیر کلاب اربعه موجب ضمان نیست (شوشتري، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۴۹۲). لکن این برداشت جای نقد دارد. زیرا همان طور که محقق اردبیلی و برخی دیگر از فقیهان گفته اند منظور از «تراب»، نوعی خاص از خاک است که دارای قیمت است (محقق اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان، ج ۱۴، ص ۳۵۰) و گر نه معنا نداشت امام (علیه السلام) صاحب سگ را ملزم به پذیرش این میزان از دیه نمایند و بفرمایند: «... و علی صاحبه أن یقبل» (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۲۶-۴۴۲، حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۲۲۷ أبواب دیات النفس ب ۱۹ ح ۰۴) همچنین برخی فقیهان همچون محقق نراقی از واژه «صاحبه» که در روایت فوق آمده است چنین استنباط کرده اند: «و إثبات الصحاب لها مثبت للملكية الموجبة لجواز الاتخاذ» (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۰۸۷) بنابراین و با توجه به اینکه

سگ های زینتی از مصادیق سگ اهلی است که سخن حائز اهمیت برخی فقیهان مبنی بر اینکه یکی از مصادیق کلاب اهلی، سگی است که در خانه برای «انس» با او نگهداری می کنند (حلی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۹۶) نیز موید همین برداشت است. در نتیجه سگ های زینتی از مصادیق کلاب اهلی دارای دیه و دارای مالیت می باشند لذا بزه سرقت و خیانت در امانت در قبال آنها قابل تصور و تحقق است.

۲- مالیت عرفی مورد سرقت

«مال» واژه‌ای است عربی و در لغت به آنچه تملک پذیرد؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۶۳۶). ارزش مبادله داشته باشد و یا در ملک کسی باشد، (معین، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۰۷۸). اطلاق شده است.

نظرات مختلفی درباره مال و مالیت بین اهل نظر اعم از فقیهان و حقوق دانان وجود دارد که به برخی آن‌ها اشاره می شود.

۲-۱- مال و مالیت از نگاه فقها و حقوق دانان

راجع به حقیقت و چیستی مال و مالیت وحدت نظر میان فقیهان و حقوق دانان وجود ندارد و سه دیدگاه عمده در این رابطه از کتب فقهی می توان استظهار نمود.

۲-۱-۱- دیدگاه نخست: داشتن منفعت عقلایی

برخی فقیهان شرط مال بودن اشیاء را داشتن منفعت عقلایی دانسته اند. یعنی هر چیزی که دارای منفعت مورد توجه عرف و عقلاء باشد، مال است و دارای مالیت می باشد. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۳۴۳؛ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۹؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۵۳).

۲-۱-۲- دیدگاه دوم: دخالت چند عنصر در صدق مال

عده‌ای از فقیهان، صدق مال بر یک چیز را منوط به وجود دو عنصر نموده اند. ابتدا این که انسان به آن نیازمند باشد حال چه در دنیا و چه در آخرت؛ دوم آن که انسان برای به دست آوردن آن تلاش و کوشش نماید. (ایروانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۶۵).

۲-۱-۳- دیدگاه سوم: اعتباری بودن مالیت

برخی فقیهان مالیت را یک امر اعتباری عقلایی دانسته اند که منشأ آن وجود خصوصیتی در یک شیء است که موجب رغبت آنان جهت به دست آوردن آن می شود. (حکیم، بی تا، ص ۳۲۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۴۶؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۷؛ موسوی خویی، بی تا، ج ۲، ص ۳).

نتیجه اینکه از نظر فقها مالیت داشتن بستگی به وجود منفعت عقلایی در آن شیء و عدم ردع شارع از آن منفعت دارد. حقوق دانان نیز با الهام از فقه و ویژگی هایی برای مال بیان کرده اند. صاحب ترمینولوژی حقوق با استفاده از ملاک استعمال عرف و عقلاء، در قالب بیان ویژگی ها به شناسایی مفهوم مال پرداخته و نوشته است: «عناصر مال از قرار ذیل است:

۱. مال باید قابل اختصاص دادن به شخص حقیقی و یا حقوقی باشد.

۲. در صورت اختصاص به شخص، قابل نقل و انتقال باشد، پس سرقتی که مستقلاً قابل نقل و انتقال نیست، مال نیست.

۳. دارای نفع باشد، پس ده شاهی زمان حاضر مال نیست.

۴. ارزش ذاتی داشته باشد مانند کار و گارگر، تمبر پست، طلب، منافع، نه آن که حاکی ارزش باشد مانند اوراق قرضه و دستور پرداخت ها و سهام شرکت ها که حاکی از اهداف مالی هستند. این عناصر عمومی مال است. برخی مال ها عناصر

اختصاصی دارند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۱۲۶)

برخی حقوقدانان نیز بر این باورند مال آن چیزی (اعم از حیوانات، گیاهان یا اشیاء) است که پرداخت پول یا یک کالای با ارزش دیگر در مقابل آن هم از نظر عرف و هم از نظر شرع، جایز شناخته شود، حتی اگر آن چیز عبارت از «زهر مار» باشد. (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳، ص ۲۶۴)

در نتیجه از نظر حقوقدانان مالیت یک شیء بستگی به منفعت عقلایی، ارزش داد و ستد داشتن و اینکه عرف در مقابل آن شیء، پول یا مال دیگر بدهد و قابلیت اختصاص یافتن دارد. هرچند برخی حقوقدانان سخنی از موافقت شارع با آن منفعت نکرده اند لکن با توجه به دیگر سخنان حقوقدانان اسلامی، مشروعیت داشتن آن منفعت امری مسلم و واضح است.

همچنین توجه به اینکه نکته نیز لازم است که از نظر قوانین کیفری ایران یکی از شرایط اساسی برای تحقق بزه سرقت، داشتن مالیت است. بر اساس ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی سرقت حدی منوط به وجود شرایطی است که انتفای هر یک از آنها، سرقت را از وصف حدی بودن خارج و در زمره سرقت تعزیری قرار می‌دهد. یکی از شرایط مزبور که بند «الف» از ماده فوق‌مشرحه به آن است، مالیت شرعی داشتن شیء مورد سرقت است. البته باید به این مهم توجه داشت که قانونگذار در ماده ۲۶۷ ق.م.ا. موضوع سرقت را مال قرار داد که اطلاق آن شامل همه اموال شرعی و عرفی می‌شود ولی در بند الف ماده ۲۶۸ یکی از شرایط سرقت موجب حد را مالیت شرعی شیء مورد سرقت قرار داد بنابراین ظهور مواد مذکور این است ربودن مطلق مال سرقت است ولی در صورتی موجب حد می‌شود که کالای مسروقه شرعاً مالیت داشته باشد. همانگونه که موضوع خیانت در امانت نیز مطلق مال است. بنابراین حتی بر فرض آن که مالیت نداشتن سگ‌های تزئینی در شرع پذیرفته شود، از نظر قانونگذار سرقت آن یا خیانت در امانت نسبت به آن می‌تواند موجب تعزیر باشد و گرنه بند الف ماده ۲۶۸ لغو خواهد بود. مضافاً به این که داشتن مالیت شرعی برای آن نیز چندان دور از ذهن نیست که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت، اگر سگ‌های تزئینی در نزد عرف مالیت داشته باشند و شارع مقدس نیز آنرا سلب و نفی نکرده باشد، سرقت آنها در زمره سرقت حدی و یا تعزیری قرار دارد و با توفّر سایر شرایط مندرج در ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی، موجب قطع می‌گردد.

به نظر آنچه که باید مورد تامل و دقت قرار گیرد: یکم: تقسیم بندی فقها نسبت به جواز و عدم جواز خرید و فروش کلاب؛ دوم: حق اختصاص. در خصوص مطلب اول دقت و بازخوانی سخنان شیخ انصاری و میرزای نائینی حائز اهمیت است. شیخ انصاری تقسیم بندی سگ‌ها را بر مبنای «هراش» و «غیر هراش» بنیان نهاده است و بر همین مبنا گفته است خرید و فروش «کلب هراش» جایز نیست لکن خرید و فروش «کلب غیر هراش» جایز است. عد از آن انواع «کلب غیر هراش» را بیان کرده است. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۱). میرزای نائینی نیز از عدم جواز کسب با اعیان نجسه که به‌عنوان یک قاعده کلی مطرح است، مواردی را مستثنی می‌کند که سگ غیر ولگرد (غیر هراش) از جمله آنها می‌باشد (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۹). بنابراین محقق نائینی نیز همچون شیخ انصاری، مقسم اصلی کلاب را «هراش» و «غیر هراش» می‌داند. بر این بنیان اگر مقسم اصلی در جواز بیع «غیر هراش» بودن کلب باشد، در اینصورت می‌توان سگ‌های زینتی را نیز مصداقی از کلب «غیر هراش» دانست. زیرا به شهادت عرف و وجدان این سگ‌ها ولگرد نمی‌باشند و تحت این عنوان قرار نمی‌گیرند. از سوی دیگر نیز انحصار کلاب «غیر هراش» به کلب ماشیه و حائط و زرع غیر موجه است. زیرا این مساله از مسائل خارجی و واقعی است که باید اقسام آن در بیرون و حقیقت خارجی و عرفی

جستجو شود که نتیجه جستجوی خارجی و عرفی این است که سگ های تزینتی، غیر هراش محسوب می شوند و کلب اهلی هم بخاطر تعیین دیه از سوی امام(ع) دارای مالیت است.

در خصوص مطلب دوم یعنی حق اختصاص نیز سخنان فقها باید مورد بازخوانی و دقت قرار گیرد. همانطور که بیان شد از سخنان محقق نائینی و آیت الله سیستانی می توان ضمان نسبت به سرقت یا عدم استرداد سگ های زینتی را استنباط کرد.

حاصل اینکه با دقت در کلمات فقها که خرید و فروش کلب «غیر هراش» را جایز می دانند. و از سوی دیگر سگ های تزینتی قطعاً جزء مصادیق کلب غیر هراش محسوب می شود، لذا خرید و فروش آنها جایز است. در نتیجه دارنده سگ تزینتی، نسبت آن حداقل حق اختصاص پیدا می کند و در اینصورت کسی حق تعدی و تجاوز به حق اختصاص وی را ندارد. از این رو بزه سرقت و خیانت در امانت نسبت به این سگ ها قابل تصور و تحقق است و مرتکب آن مستحق تعزیر و در عداد سرقت های تعزیری محسوب می شود.

همچنین می توان با توجه به مباحث «مسئولیت مدنی»، ضمان سارق و خائن در امانت نسبت به سگ های تزینتی را به اثبات رساند. زیرا ارکان مسئولیت مدنی عبارتند از: وقوع فعل زیان بار، تحقق ضرر و رابطه سببیت بین آنها. در نظر عرف عام و خاص سرقت و خیانت در امانت نسبت به سگ های تزینتی فعل زیان بار و سبب ورود ضرر به صاحب آن می باشد و رابطه سببیت نیز محرز است. از آنجایی که برای اثبات مسئولیت مدنی، حق اختصاص نیز کافی است، بنابراین می توان مسئولیت مدنی نسبت به سارق و خائن در امانت نسبت به سگ های تزینتی را ثابت دانست. در غیر اینصورت مجوز اتلاف اموال و دارایی ها افراد جامعه به جهت عمد یا تقصیر فراهم می شود که این با منطق حقوقی در تضاد و ناسازگار است.

این مهم را نیز نباید از نظر دور داشت که نظم عمومی در قوی ترین جنبه خود در موضوعات کیفری تبلور یافته و واکنش نشان می دهد و حفظ این نظم اقتضا دارد که حقوق کیفری نوعی، وابستگی به حقوق مدنی نداشته باشد و این ویژگی همان استقلال حقوق کیفری است. (خدابخشی، ۱۳۹۲، ص ۳۶۹). آثار جزایی حمایت از اعیان نجس مانند سگ های زینتی در مقایسه با آثار مدنی با مقبولیت بیشتری همراه است. محکومیت سرقت سگ های زینتی، نشان از توجه به مالیت این اعیان و معیارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و احترام به حقوق اشخاص است. حقوق کیفری به مفهوم اقتصادی مال توجه ویژه ای دارد و نه تنها ارزش اقتصادی اشیایی مانند مواد مخدر، ماهواره، اعیان نجس را تایید می کند، بلکه اساساً موضوع جرایم مالی خود را با نگاه بیرونی تعیین می کند نه ارزیابی درونی و ارزشی. میان مالی ذاتی و مال تبعی و سند مالی نیز تفاوت نمی گذارد و ارتکاب اعمال مجرمانه در تمام این موارد را یکسان می داند. (خدابخشی، ۱۳۹۵، ص ۴۸۱-۴۸۲). علاوه بر مالیت این اعیان، نظم عمومی جامعه برای حمایت از اشیایی که تلقی مال بر آن ها دشوار است - هرچند در مورد سگ های زینتی از نظر عرف دارای مالیت است - نیز غافل نمانده و تجاوز به حقوق افراد، ترویج هرج و مرج و بی نظمی، نقض هنجارها و ارزش های اساسی جامعه خود با فلسفه وضع قواعد کیفری در تعارض است. (افراسیابی و مصطفی زاده، ۱۳۹۳، ص ۲۰) به همین جهت مقنن تلف برخی اعیان نجس مانند گراز را جرم انگاری کرده است (ماده ۱۲ و ۱۸ قانون شکار و صید) تا نظم و امنیت عمومی - و البته در نظر گرفتن مسائل زیست محیطی و حفظ گونه های جانوری - خدشه دار نگردد. البته قطعاً در نوع مجازات توجه به مالیت گاهی مدنظر قانونگذار قرار گرفته و شرعیت یا عدم شرعیت مالی کیفیت جرم را تغییر داده است، به گونه ای که وجود

مالیت شرعی از شرایط اساسی در ثبوت حد برای جرم سرقت است و مالیت نداشتن شرعی از قبض عمل نمی‌کاهد، اما شدت مجازات را کاهش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تحقق بزه سرقت در خصوص سگ‌های زینتی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و نتایج زیر حاصل گردید:

۱. منشا اختلاف نظر حقوقدانان و قضات در خصوص تحقق بزه سرقت در سگ‌های زینتی، اختلاف نظرهای فقهی است. چراکه برخی فقیهان با تکیه بر قید «مالیت شرعی»، تحقق بزه سرقت را منکر می‌شوند و برخی دیگر از فقها بزه سرقت تعزیری را در این باره محقق می‌دانند. نظر برگزیده این پژوهش آن است که قید «مالیت شرعی» فقط در تحقق «سرقت حدی» لازم است و لذا مالیت شرعی نداشتن مانع تحقق «سرقت تعزیری» نیست.

۲. تمسک جزم گرایانه به عدم مالیت شرعی موجب رهایی اشخاص از قید و بندهای اجتماعی، نظم و امنیت عمومی است. چگونگی می‌توان ربودن بدون مجوز سگ فردی در معابر را اعم از اینکه با توسل به زور باشد یا نباشد، مجاز شمرد در حالی که منع قانونی برای نگهداری آن نیست؟.

۳. مبانی جرم‌انگاری حقوق کیفری تابعی از حقوق مدنی نیست، بلکه از اصل ضرر عمومی و صدمه سرچشمه می‌گیرد. بنابراین حمایت از همه انواع علاقه‌های مادی و اعتباری اشخاص با فلسفه حقوق کیفری سازگار است و محدودیت تنها باید در مواردی باشد که مال در هر دو حوزه مدنی و جزایی فاقد ارزش ذاتی و حمایت قانونی باشد.

۴. قانون‌گذار در ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی تحقق سرقت را منوط به تحقق سه عنصر «ربودن»، «مال» و «تعلق به غیر» نموده است. و در ماده ۲۶۸ قانون مزبور ثبوت سرقت حدی را منوط به وجود شرایطی نموده که از جمله آن‌ها طبق بند «الف» ماده مزبور، مالیت شرعی داشتن مورد ربایش است. بنابراین تنها سرقت تعزیری در خصوص سگ‌های زینتی قابل تحقق است.

۵. طبق نظر اهل لغت، مال به چیزی گفته می‌شود که ارزش مبادله داشته باشد. طبق نظر تعداد زیادی از فقیهان از جمله محقق نراقی، امام خمینی و محقق خویی مالیت یک امر اعتباری عقلایی است و منشأ آن وجود خصوصیتی در یک شیء است که موجب رغبت عرف جهت به‌دست آوردن آن می‌گردد. بنابراین بدون هیچ‌گونه تردیدی سگ‌های تزئینی، مالیت عرفی دارند.

۶. تقسیم بندی که برخی فقه پژوهان، حقوقدانان و قضات به آن توجه دارند تقسیم بندی به کلاب اربعه و غیر آن است. و لذا تصور می‌کنند چون سگ‌های زینتی جزء کلاب اربعه نیستند پس خرید و فروش آنها جایز نیست و فاقد مالیت بوده و از این فقدان مالیت، عدم تحقق بزه سرقت را نتیجه می‌گیرند. که به نظر می‌رسد باید تقسیم بندی دیگری را مد نظر قرار داد و آن تقسیم کلاب به «هراش (ولگرد)» و «غیر هراش (اهلی)» است. با تامل در تقسیم بندی فقهی کلاب، می‌توان سگ‌های تزئینی را مصداق کلب «غیر هراش» و اهلی دانست که برای آنها دیه تعیین شده است و این نشان از مالیت آن دارد و لذا باید خرید و فروش آن را جایز دانست.

۷. با توجه به سخن برخی فقیهان همچون محقق نائینی، و از میان معاصرین آیت الله سیستانی، در خصوص سگ‌های تزئینی «حق اختصاص» وجود دارد و همچنین مالیت عرفی و مالیت شرعی با عنایت به تعیین دیه برای کلاب اهلی، لذا بزه سرقت و خیانت در امانت (مسئولیت کیفری) درباره آنها قابل تحقق است.

۸. از نظر حقوقی نیز با توجه به مبانی مسئولیت مدنی، می توان ضمان (مسئولیت مدنی) سارق و خائن در امانت نسبت به سگ های تزیینی را ثابت دانست.

۹. با توجه به اختلاف نظر فقها، حقوقدانان و قضات در خصوص تحقق یا عدم تحقق بزه سرقت اعیان نجسه مانند سگ و اموال نامشروع، ضرورت بازنگری در قوانین به منظور ارائه یک سیاست واحد در این حوزه ضرورتی اجتناب ناپذیر است. لذا قانونگذار کیفری ایران با صراحت و در فصل سرقت کتاب تعزیرات ماده ی قانونی را به این امر اختصاص دهد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). **لسان العرب**، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- اصفهانى، محمد حسین. (۱۴۱۹). **حاشیه المکاسب**، بی جا: بی نا.
- افراسیابی، محمد اسماعیل؛ مصطفی زاده، فهیم. (۱۳۹۳). «**پروسی رویکرد ابزار گرا به حقوق کیفری ایران در پرتو قانون اساسی**»، فصلنامه دیدگاه های حقوقی قضایی، ش ۶۸، ۱۳۹۳، ص ۱۹-۴۶.
- آقای نیا، حسین؛ رستمی، هادی. (۱۴۰۴). **جرایم علیه اموال و مالکیت**، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵). **کتاب المکاسب**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری مجمع الفکر الاسلامی.
- ایروانی، علی. (۱۴۰۶). **حاشیه المکاسب**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹). **القواعد الفقهیه**، قم: نشر الهادی.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵ ه.ق.). **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بستانی، فؤاد افرام. (۱۳۷۵). **فرهنگ ابجدی**، قم: انتشارات اسلامی.
- جلی سینکی، محمد؛ امام، سید محمد رضا. (۱۳۸۸). **تاملی بر مالیت کلاب در فقه امامیه**. دو فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱، ص ۶۹-۸۷.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). **ترمینولوژی حقوق**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حر عاملی، ابو جعفر. (۱۴۰۹). **وسائل الشیعه**، قم: موسسه آل البيت (ع).

- حسینی روحانی، سید صادق. (بی تا). **فقه الصادق علیه السلام**، بی تا: بی جا.
- حکیم، سید محسن. (بی تا). **نهج الفقاهة**، قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
- حلبی، ابن زهره. (۱۴۱۷). **غنیة النزوع**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حلی، ابن فهد. (۱۴۰۷). **المهذب البارع فی شرح المختصر النافع**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حیاتی، علی عباس. (۱۳۸۹). **حقوق مدنی (۲) اموال و مالکیت**، تهران: نشر میزان.
- خدابخشی، عبدالله. (۱۳۹۲). **تمايز بنيادين حقوق مدنی و حقوق کیفری**، تهران: شهر دانش.
- خدابخشی، عبدالله. (۱۳۹۵). **حقوق دعاوی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رجایی، فاطمه و محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۵). « بررسی فقهی حقوقی مالیت اعضای بدن انسان»، مجله فقه پزشکی، ش ۲۶ و ۲۷، ۱۳۹۵، ص ۱۳۷-۱۷۳.
- روحانی، محمد صادق. (۱۴۲۹). **منهاج الفقاهة**، قم: انوار الهدی.
- سبزواری، محمد باقر. (۱۴۲۳). **کفایة الأحكام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳). **مسالك الافهام**، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- شوشتری، محمد تقی. (۱۴۰۶). **النجعة فی شرح اللمعة**، تهران: کتابفروشی صدوق.
- صدوق ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۳). **المقنع**، قم: مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام.
- صدوق ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۰ق). **من لا یحضره الفقیه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۹۷). **اشخاص و اموال**، تهران: میزان.
- طباطبایی، سید تقی. (۱۴۱۳). **عمدة المطالب فی التعلیق علی المکاسب**، قم: کتابفروشی محلاتی.
- طوسی، ابوجعفر. (۱۴۰۰). **النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی**، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر. (۱۴۰۷). **تهذیب الأحكام**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر. (۱۳۸۷ق). **المبسوط فی فقه الامیه**، تهران: مکتبه المرتضویه.
- طوسی، ابوجعفر. (۱۴۰۷). **الخلاف**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عراقی، ضیاء الدین. (۱۴۲۱). **حاشیه المکاسب**، به تقریر ابوالفضل نجم آبادی، قم: غفور.
- عندلیب، حسین. (۱۳۹۸). **ارتکازات عرفی در فقه و حقوق**، قم: مرکز بین المللی توسعه علم، فرهنگ و عقلایت.
- فاضل آبی، حسن ابن ابی طالب. (۱۴۰۸). **کشف الرموز فی شرح المختصر النافع**، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۶). **تفصیل الشریعة**، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فیاض، محمد اسحاق. (۱۴۱۵). **رساله توضیح المسائل**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- قمی، عباس. (۱۴۲۳). **الغایه القصوی فی ترجمه العروه الوثقی**، قم: منشورات صبح پیروزی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). **دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت**، تهران: نشر دادگستر.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۳). **محشای قانون مجازات اسلامی**، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجلد.

- لطیف زاده، مهدیه؛ افکار، حمید؛ خدابخشی شلمزاری، عبدالله. (۱۴۰۰). **بررسی حقوق دارندگان سگ‌های تزئینی از نگاه فقه امامیه و حقوق ایران با تأکید بر رویه قضایی**. فقه و اصول، ۵۳(۳)، ۸۷-۱۰۵.
- مجله فقه اهل بیت (ع). (۱۳۸۶). همراه با دایره المعارف فقه اسلامی اتلاف - قسمت اول، مجله فقه اهل بیت (ع)، ش ۵۰، تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۹۲-۲۲۳.
- مجله فقه اهل بیت (ع). (۱۳۸۶). همراه با دایره المعارف فقه اسلامی اتلاف - قسمت دوم، مجله فقه اهل بیت (ع)، ش ۵۱، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۸۴-۲۱۲.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳). **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴). **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم: آل البيت (ع). مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه. **گنجینه استفتائات قضایی** (نرم افزار)، قم: مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه.
- مصطفوی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۳). **فقه المعاملات**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- معین، محمد. (۱۳۶۳). **فرهنگ فارسی**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد تمیمی. (۱۳۸۵ هـ.ق). **دعائم الإسلام**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۳). **المقنعة**، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۶). **انوار الفقاهه (کتاب التجاره)**، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- منتظری، حسینعلی. (۱۴۱۵). **دراسات فی مکاسبه المحرمه**، قم: تفکر.
- موسوی، سید علی. (۱۴۲۴). **ینایع الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱). **کتاب البیع**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۴). **تحریر الوسیله**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۱۵). **المکاسب المحرمه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم. (بی تا). **مصباح الفقاهه**، بی تا، بی تا.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم. (۱۴۲۲). **مبانی تکملة المنهاج**، قم: مؤسسه إحياء الآثار الامام الخوئی.
- میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۸۷). **حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اموال و مالکیت**، تهران: میزان.
- میر محمد صادقی، حسین. (۱۴۰۳). **جرائم علیه اموال و مالکیت**، تهران: میزان.
- نائینی، محمد حسین. (۱۴۱۳). **المکاسب و البیع**، تقریر محمد تقی آملی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۷). **جواهر الکلام**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵). **مستند الشیعه فی احکام الشریعه**، قم: آل البيت (ع).
- هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۶). **فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل البيت (ع)**، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- هاشمی، سید احمد و ابراهیم تقی زاده. (۱۳۹۵). **حقوق اموال و مالکیت**، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.